



Journal of Islamic Propagation

Volume 3 ● No 7 ● Spring & Summer 2022

Propagators and Teaching Life Skills to the Clients of Center for Correction and Education

Mas'ud Shahidi*

Hamed Mirzakhani**

Abstract

Part of the social harms is due to lack of control of emotions and the individual's sufficiency in facing difficult situations and the inability to solve problems in life. Such harms have caused the growth of crime in the society. According to the studies carried out, the reason for the growth of crimes in the society is the lack of training. This study aims to express the importance of training and its effect on the clients of the Center for Correction and Education and that dear propagators should prioritize the issue of life skills training in order to prevent social anomalies in their educational programs. Training is one of the best ways to prevent this type of social harm and can be used in the Center for Correction and Education. Although some have claimed that training does not have a beneficial effect on clients, it is safe to say that training increases some of the clients' abilities. In the field of training, the first priority is to teach life skills to the clients of the Center for Correction and Education. In this regard, psychologists, with the support of national and international organizations, have been mobilized to prevent mental illnesses and social anomalies, to teach life skills, increase psycho-social abilities, and finally, to prevent harmful behaviors to health and promote people's health. The results of this study suggest that life skills training increases the ability of clients, and these trainings are the basis of rehabilitation and preventing them from re-entering the Center for Correction and Education, and considering the relationship between health and religion, the training of these skills by propagators is more important and leads to the growth of the society.

Keywords

Training, life skills, training of clients, Center for Correction and Education, propagation in prison.

* PhD student in Qur'an and psychology, shahidimzf@gmail.com.

** Level Four student (PhD) of Islamic Seminary of Qom, researcher of Pure Imams Jurisprudence Center, mirzakhanihamed@gmail.com.



پژوهشنامه

تبلیغ اسلامی

دو فصلنامه علمی - تخصصی

سال سوم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

مبلمان و آموزش مهارت‌های زندگی به مددجویان کانون اصلاح و تربیت

* مسعود شهیدی

** حامد میرزاخان

چکیده

بخشی از آسیب‌های اجتماعی، نتیجه عدم کنترل احساسات و کفایت فرد در رویاروی با موقعیت‌های دشوار و عدم توانایی حل مسئله و مشکل‌های زندگی است. این‌گونه آسیب‌ها باعث رشد بزهکاری در جامعه شده است. طبق پژوهش‌های انجام‌شده، علت رشد بزهکاری‌ها در جامعه، عدم آموزش است. هدف این پژوهش، بیان اهمیت آموزش و تأثیر آن بر مددجویان کانون اصلاح و تربیت است و اینکه مبلمان گرامی، بایسته است که بحث آموزش مهارت‌های زندگی را جهت پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی، در اولویت برنامه‌های آموزشی خود قرار دهند. آموزش، یکی از بهترین روش‌ها برای جلوگیری از این نوع آسیب‌های اجتماعی است و می‌تواند در محیط کانون اصلاح و تربیت مورد استفاده قرار گیرد. با اینکه عده‌ای ادعا کرده‌اند که آموزش تأثیر مفیدی برای مددجویان ندارد، اما با اطمینان می‌توان بیان کرد آموزش، باعث افزایش بخشی از توانایی مددجویان می‌شود. در بحث آموزش، اولویت اول، آموزش مهارت‌های زندگی به مددجویان کانون اصلاح و تربیت است. در این راستا، روان‌شناسان با حمایت سازمان‌های ملی و بین‌المللی، جهت پیشگیری از بیماری‌های روانی و ناهنجاری‌های اجتماعی جهت آموزش مهارت‌های زندگی، افزایش توانایی‌های روانی - اجتماعی و در نهایت، پیشگیری از ایجاد رفتارهای آسیب‌رسان به بهداشت و سلامت و ارتقای سلامت افراد بسیج شده‌اند.

* دانشجوی دکتری قرآن و روانشناسی: shahidimzf@gmail.com

** دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) : mirzakhanamed@ com.gmail

نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های زندگی، باعث افزایش توانایی مددجویان می‌شود و این آموزش‌ها زمینه‌ساز پروری و جلوگیری از ورود مجدد آنان به کانون اصلاح و تربیت شده و با توجه به رابطه سلامت و دین، آموزش این مهارت‌ها توسط مبلغان از اهمیت بیشتری برخوردار است و رشد جامعه را به ارمغان می‌آورد.

کلیدواژگان: آموزش، مهارت‌های زندگی، تربیت مددجویان، کانون اصلاح و تربیت، تبلیغ در زندان.

مقدمه

آسیب‌های خانواده‌های امروزی، افزایش انواع جرایم و به وجود آمدن شیوه‌های نوین بزهکاری و کاهش یافتن سن بزهکاری و ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان و عدم آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان در خانواده و مدرسه است.

یکی از راه‌های پیشگیری از بروز مشکلات روانی و رفتاری و جلوگیری از بزهکاری در جامعه، ارتقای ظرفیت روان‌شناختی افراد است که از طریق آموزش مهارت‌های زندگی جامعه عمل می‌پوشد. مهارت‌های زندگی، عبارت است از مجموعه‌ای از توانایی‌ها که زمینه‌سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می‌آورد.

آموزش مهارت‌های زندگی در سال ۱۹۷۹ و با اقدامات آقای دکتر گیلبرت بوتوین آغاز شد. وی در این سال، یک مجموعه آموزش مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان کلاس هفتم تا نهم تدوین نمود که با استقبال فراوان متخصصان بهداشت روان مواجه گردید. این برنامه آموزشی، به نوجوانان یاد می‌داد که چگونه با استفاده از مهارت‌های رفتار جرئت‌مندانه، تصمیم‌گیری و تفکر نقاد، در مقابل وسوسه یا پیشنهاد سوءمصرف مواد از سوی همسالان مقاومت کنند. هدف بوتوین، طراحی یک برنامه واحد پیشگیری اولیه بود. مطالعات بعدی نشان داده آموزش مهارت‌های زندگی، در صورتی به نتایج موردنظر ختم می‌شود که همه مهارت‌ها به فرد آموخته شود. پژوهش‌ها حاکی از آن بودند که این برنامه در پیشگیری اولیه چندین نوع مواد مخدر، از جمله سیگار، موفق بوده است.

مرور مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر آموزش مهارت‌های زندگی، بسیار مؤثرتر از گرایش‌های سنتی است. پژوهشگران دریافته‌اند که گرایش‌های جامع در پیشگیری از سوءمصرف مواد، شامل آموزش مهارت‌های زندگی برای ارتقای توانایی‌های اجتماعی در به تعویق انداختن شروع مصرف الکل و ماری‌جوانا، بسیار

مؤثرتر از گرایش‌های مبتنی بر ارائه دانش و اطلاعات و گرایش‌های مبتنی بر رهبری همسالان بوده‌اند.

در پژوهشی که اثر آموزش مهارت‌های زندگی را در زمینه خودآگاهی بررسی نمود، نشان داد به دنبال این آموزش، دانش‌آموزان صداقت بیشتر، نوع دوستی بیشتر و پرخاشگری کمتری نشان می‌دهند.

هویر، روان‌شناس معاصر و پزشک بیماری‌های روانی، پس از بررسی‌های آماری ده کشور اروپایی، مدعی شده است که ۸۸ درصد کودکانی که مرتکب گناه می‌شوند، از خانواده‌های گسسته‌اند. این دانشمند با تحقیقات خود نشان می‌دهد که بین ۸۰ تا ۹۰ درصد کودکان منحرف یا مجرم، از خانواده‌هایی هستند که وضعیتی مغشوش و نابسامان داشته و شیرازه آنها از هم گسسته شده است.

در ایران نیز تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. بر اساس گزارش کانون اصلاح و تربیت سازمان زندان مشهد که در سال ۱۳۶۱ منتشر گردید، ۶۲ درصد افراد موجود در کانون، والدینشان با یکدیگر ناسازگاری داشته‌اند. این امر، بیانگر ارتباط نادرست خانوادگی است که می‌تواند به بزهکاری در نوجوانان منجر گردد.

در سال ۱۳۶۹، اداره کل امر به معروف و نهی از منکر کمیته انقلاب اسلامی، طی تحقیقی با عنوان «بررسی علل و انگیزه‌های بزهکاری اطفال و نوجوانان شهر تهران»، عواملی همچون: سطح تحصیلات، خانواده، مهاجرت، محل سکونت، اقتصاد و خانواده را در گرایش به بزهکاری مؤثر دانسته و بر اساس نتایج تحقیق موصوف، پیشنهاد می‌نماید که برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، باید یک تلاش همه‌گیر و گسترده صورت پذیرد.

در سال ۱۳۷۶، طی تحقیقی که در شهرستان محلات انجام گرفته، چنین نتیجه‌گیری شده است که بین «بزهکاری نوجوانان و جوانان» و «نامناسب بودن وضعیت خانوادگی، وضعیت اقتصادی، سابقه تحصیلی، وضعیت شغلی و نیز نامناسب بودن وضعیت اعتقادی» رابطه وجود دارد. طبق یافته‌های تحقیقی، ۴۴ درصد بزهکاران جامعه ما، در خانواده‌های لابلالی زندگی می‌کنند.

برنامه بهداشت روان در مدارس ایران، در سال ۱۳۷۸ توسط دکتر بینا و همکاران در منطقه دماوند بر روی ۲۸۰ نفر دانش‌آموز پسر و دختر مقطع راهنمایی در دو سطح دانش‌آموزان و

معلمان انجام شد که مهم‌ترین بخش آن، آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان بود. پرسشنامه‌های قبل و بعد از مداخله، نشانگر افزایش آگاهی دانش‌آموزان و معلمان نسبت به مقوله بهداشت روان و تغییر نگرش آنها به مسئله بهداشت روان و بهبود نمرات سلامت روان بود.

پژوهش‌های متعدد و گسترده‌ای، تأثیر مثبت آموزش مهارت‌های زندگی را در کاهش بزهکاری‌ها در جامعه، از قبیل: کاستن سوءمصرف مواد، پیشگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز، تقویت اتکابه‌نفس، افزایش مهارت‌های مقابله با فشارها و استرس‌ها، برقراری روابط مثبت مؤثر اجتماعی و... نشان داده‌اند. در نتیجه، شخص قادر می‌شود بدون اینکه به خود یا دیگران صدمه بزند، مسئولیت‌های مربوط به نقش اجتماعی خود را بپذیرد و با چالش‌ها و مشکلات روزانه زندگی، به شکل مؤثر روبه‌رو شود. توانمندی در این مهارت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز زندگی سالم‌تر در آینده را رقم بزند.

سال‌های نوجوانی، مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می‌رود. در این دوره، نیاز به تعامل هیجانی عاطفی، به‌ویژه تعامل بین عواطف و عقل، درک ارزش وجودی خویش، خودآگاهی (شناخت استعدادها، توانایی‌ها و رغبت‌ها)، انتخاب هدف‌های واقعی در زندگی، استقلال عاطفی از خانواده، حفظ تعادل عاطفی و روانی خویش در مقابل فشارزای محیطی، برقراری روابط سالم با یکدیگر، کسب مهارت‌های اجتماعی لازم در دوست‌یابی، شناخت زندگی سالم و مؤثر و چگونگی برخورد با آنان، از مهم‌ترین نیازهای نوجوانان به شمار می‌رود.

بنابراین، کمک به نوجوانان در رشد و گسترش مهارت‌های موردنیاز برای زندگی مؤثر، ایجاد یا افزایش اعتمادبه‌نفس در برخورد با مشکلات و حل آنها، و همچنین کمک به آنها در رشد و تکامل عواطف و مهارت‌های اجتماعی لازم جهت سازگاری موفق با محیط اجتماعی و زندگی مؤثر و سازنده در جامعه، ضروری به نظر می‌رسد (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

در این مقاله، به اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی جهت پیشگیری از بزهکاری در جامعه، به‌ویژه برای مددجویان کانون اصلاح و تربیت توسط مبلغان پرداخته می‌شود. ازاین‌رو، در باره بزهکاری و مهارت‌های زندگی و اهمیت آموزش آن، به بررسی آموزش مهارت‌های زندگی در بازپروری مددجویان کانون اصلاح و تربیت توسط مبلغان می‌پردازیم.

تبیین مفاهیم

الف. بزهکاری

بزه، در زبان قرآن و به تبع آن در فقه اسلامی، عبارت است از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع مقدس آن را منع کرده است؛ به عبارت دیگر، افعال و اقوالی جرم تلقی می‌شوند که مغایر با احکام یا فرمان‌های پروردگار باشند؛ به طوری که در آیه ۸ از سوره مائده (وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ اَلَّا تَعْدِلُوْا)، «يَجْرِمَنَّكُمْ» به معنای کارهای زشت و ناپسند تعبیر شده است و نیز لفظ «مجرمین» در آیه ۴۷ از سوره قمر (اِنَّ الْمُجْرِمِيْنَ فِي ضَلٰلٍ وَّ سُعْرٍ) نیز ناظر به اعمال و رفتار زشت کسانی است که در گمراهی به سر می‌برند. همین معنا را می‌توان از آیاتی که در باب انواع جرایم در قرآن کریم وارد شده، استشهاد نمود؛ مانند: قصاص نفس، قصاص عضو، ديه، حد زنا، حد قذف و حد سرقت.

امام خمینی علیه السلام نیز جرم را در معنای عام آن مورد توجه قرار داده و آن را شامل هر فعل حرام یا ترک واجب قابل مجازات دانسته‌اند؛ منتها شرطی را که قائل شده‌اند، این است که لفظ «جرم» را برای گناهان کبیره استعمال کرده است؛ به طوری که می‌فرماید: «هرکس یکی از واجبات را ترک کند و یا یکی از محرمات را انجام دهد، بر امام علیه السلام یا نائب اوست که وی را به کیفر تعزیر برساند؛ به شرطی که فعل حرام از گناهان کبیره باشد» (میرزاخانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۶).

۱. بزهکاری در کودکان و نوجوانان

همواره بزهکاری در بین کودکان و نوجوانان وجود داشته است؛ اما از اواخر قرن نوزدهم، تخلف و قانون‌شکنی این گروه در کشورهای بزرگ صنعتی جلب توجه کرده است. هرگاه خانواده و جامعه نسبت به کودکان و نوجوانان، بی‌توجه و سهل‌انگار باشند و کودکی به بزهکاری روی آورد و به زندگی ناسالم عادت کند، در بزرگسالی احتمال بازگشت به اجتماع و اصلاح وی تا حدودی غیرممکن است.

به همین جهت است که تمام تلاش حقوقدانان، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان، یافتن نظام قضایی و تربیتی ویژه‌ای برای بزهکاری خردسالان و نوجوانان است و این تلاش‌ها ارائه راهکارها و الگوهای خاصی برای تربیت و جایگزینی مجازات است که به تصویب مقررات خاصی در قوانین بین‌المللی می‌انجامد (نجفی‌توانا، ۱۳۸۲، ص ۲۱). بزهکاری، از جمله رفتارهای

ناسازگارانه‌ای است که از نوجوان سر می‌زند. اگرچه در نگاه اول، بزه، پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد، ولی با توجه به پیامدهای سوء آن برای جامعه، باید آن را در شمار آسیب‌های اجتماعی به حساب آورد (اشرف، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶).

۲. انواع بزهکاری

سه دسته بزهکاران عبارت‌اند از: «بزهکاران روان‌رنجور»، «بزهکاران دارای اختلالات منش و بزهکاران جامعه‌ستیز ذاتی» و «بزهکاران روان‌پریش».

* بزهکاران روان‌رنجور

افراد مبتلابه وسواس فکری - عملی هستند که به وسیله محرک‌های ناخودآگاه، مثل محرک‌های جنسی، سرکوب شده و به سوی ارتکاب عمل مجرمانه سوق داده می‌شوند. این افراد قادر به تحمل اضطراب نیستند. گروه دیگری از افراد روان‌رنجور، به واسطه احساسات گناهکارانه ناخودآگاه که ناشی از خشونت و تنفر عمیق آنان و احساسات گناهکارانه متعاقب آن است، مرتکب جرم می‌شوند. اعمال مجرمانه این بزهکاران، عبارت است از: دزدی بیمارگونه، آتش‌افروزی، الکل‌زدگی، قماربازی و ولگردی (محمدی‌اصل، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹-۱۱۰).

* بزهکاران دارای اختلالات منش و بزهکاران جامعه‌ستیز

شامل مجرمانی هستند که دارای اختلالات منش بوده، به خودی خود، نشانه‌های روان‌رنجوری را از خود نشان نمی‌دهند. این افراد، ستیزه‌جو، ضد اجتماعی، تحریک‌پذیر، خودشیفته، ناپایدار، لذت‌جو و از نظر احساسات، بی تفاوت‌اند.

این اشخاص بیشتر در خانواده‌های بی‌ثباتی پرورش یافته‌اند که روابط عاطفی ضعیف و رهاشدگی و بخشش شدید خانواده، آنها را از همسان‌سازی با مدل‌های نقشی صحیح بازداشته است. افراد این گروه ممکن است به تمام جرایم دست بزنند (همان).

* بزهکاران روان‌پریش و یا مبتلابه نقایص عقلی

شامل مجرمانی هستند که به واسطه نقص استدلال و منطق، از درک اینکه اعمال مجرمانه آنها

خلاف است، عاجزند. این گروه شامل افراد مبتلا به اسکیزوفرنی^۱ و نقص عقلی و کسانی که دچار آسیب مغزی شده‌اند، و همچنین، افراد مبتلا به اختلال دوقطبی است. جرایم این گروه، ظاهراً بی‌معنا و عجیب هستند و شامل ارتکاب به انواع گوناگونی از جرایم ساده، زدو خورد، آتش‌افروزی، تجاوز جنسی و قتل عمد است (معظمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹ و ۱۱۰).

در دودسته اول بزهکاران، می‌توان با آموزش مهارت‌های زندگی به آنها در کانون‌های اصلاح و تربیت، به سوی بازپروری آنان پیش رفت و جلوگیری از تکرار این نوع بزهکاری‌ها را با آموزش مهارت‌های زندگی انجام داد (میرزاخانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۶).

ب. مهارت‌های زندگی

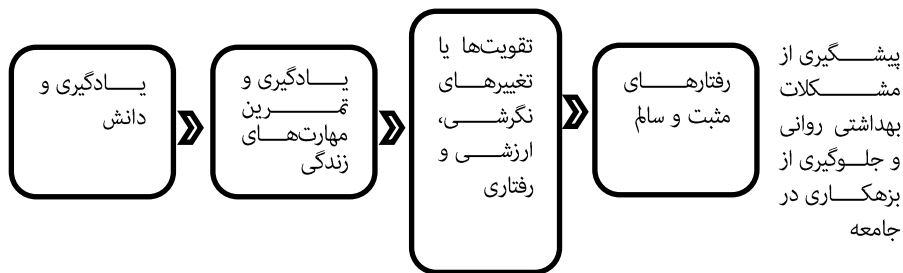
۱. اصطلاح مهارت‌های زندگی

اصطلاح «مهارت‌های زندگی»، در معانی مختلف به‌کاررفته است:

- مهارت‌های مربوط به امر معاش، مانند اینکه چگونه فرد مشغول کاری می‌شود.
 - مهارت‌های مراقبت از خود، مانند: مصرف غذاهای سالم و درست مسواک زدن.
 - مهارت‌هایی که برای پرداختن به موقعیت‌های پُرخطر زندگی استفاده می‌شود؛ مانند نه گفتن به فشار جمع جهت استفاده از مواد مخدر (فتحعلی لواسانی، ۱۳۹۴، ص ۵).
- در این پژوهش، منظور از مهارت‌های زندگی، مفهوم سوم است که عبارت است از: مجموعه‌ای از توانایی‌ها که زمینه و بستر مقابله مؤثر با فشارهای روانی در موقعیت‌های پُرخطر زندگی و ارائه رفتارهای مثبت و مفید را فراهم می‌آورند.
- بنابراین، هدف از آموزش مهارت‌های زندگی، ارتقای سازگاری فرد ابتدا با خودش و سپس با

۱. روان‌گسیختگی، اسکیزوفرنی یا شیزوفرنی (به انگلیسی: Schizophrenia) که اکثر روان‌پزشکان و روانشناسان به آن سرطان خاموش نیز می‌گویند یک اختلال روانی شایع است که از ویژگی‌های بارز آن فقدان توانایی در اندیشیدن، عاطفه ضعیف، انجام رفتارهای نامعقول و ناتوانی در درک واقعیت است. البته شایان‌ذکر است که منظور از ناتوانی در درک واقعیت، توهمات مغزی فرد بیمار هست. این بیماری در میان همه بیماری‌های عمده روان‌شناختی از همه وخیم‌تر و شدیدتر می‌باشد و معمولاً خود را به‌صورت توهمات شنیداری، توهم‌های جنون‌آمیز یا عجیب‌وغریب، یا تکلم و تفکر آشفته نشان می‌دهد و با اختلال در عملکرد اجتماعی یا شغلی قابل توجهی همراه است و فرد را از همه جوانب زندگی عقب می‌اندازد.

دیگران و محیطی است که در آن زندگی می‌کند. این مهارت‌ها به ما می‌آموزند که در طول زندگی، به‌ویژه موقعیت‌های پُرخطر، چگونه عاقلانه و صحیح رفتار کنیم؛ زیرا قدرت سازگاری افراد در جامعه انسانی، برابر نیست. در یک محیط مشابه اجتماعی، برخی انسان‌ها، توان مقابله با مشکلات و انتظارات را در اندک زمانی از دست می‌دهند و خیلی زود در دام انزوا و افسردگی با عملکرد نامناسب (رفتار ضد اجتماعی، تخریبی و مانند اینها) گرفتار می‌شوند. در مقابل، عده‌ای با اندیشه و تحلیل موقعیت، به رفتاری سازگارانه و همراه با تحمل رو می‌آورند. آنان همواره به راه‌های مؤثر و مفید می‌اندیشند و به‌درستی می‌دانند که راهی برای حل مسئله وجود دارد. برنامه مهارت‌های زندگی، در زنجیره‌ای بین عوامل انگیزشی، دانش، نگرش، ارزش‌ها و رفتار سالم قرار می‌گیرد. در واقع، جایگاه مهارت‌های زندگی، در پیشگیری اولیه از مشکلات بهداشتی و روانی قرار دارد. مدل زیر، نقش برنامه مهارت‌های زندگی را در پیشگیری از مشکلات روانی و جلوگیری از بزهکاری نشان می‌دهد (همان).



۲. تعریف مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی، عبارت‌اند از مجموعه‌ای از توانایی‌ها که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می‌آورند. این توانایی‌ها، فرد را قادر می‌سازد تا مسئولیت‌های نقش اجتماعی خود را بپذیرد و بدون لطمه به خود و دیگران، با خواسته‌ها، انتظارات و مشکلات روزانه، به‌ویژه در روابط بین فردی، به شکل مؤثری روبه‌رو شود (خنیفر و پورحسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۶). مهارت‌های زندگی، مهارت‌هایی هستند که برای افزایش توانایی روانی - اجتماعی افراد آموزش داده می‌شوند و فرد را قادر می‌سازند که به‌طور مؤثر با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی مواجه شود. هدف از آموزش مهارت‌های زندگی، افزایش توانایی‌های روانی اجتماعی، و در نهایت، پیشگیری از ایجاد رفتارهای آسیب‌زننده به بهداشت و سلامت و ارتقای سطح سلامت روان افراد است (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۸، ص ۱۶).

مهارت‌های زندگی، ابزاری است برای پیشگیری از آسیب‌های روانی - اجتماعی مبتلابه جامعه، نظیر: اعتیاد، خشونت، آزار کودکان و خودکشی. بهداشت روانی نیز از جمله مهم‌ترین نیازهای انسان امروزی است که برای تأمین آن لازم است فرد به‌دقت خود را بشناسد، دیگران را درک کند و روابط مؤثری با آنها برقرار کند، هیجان‌های منفی و استرس‌های روزمره خویش را شناسایی نماید و آنها را کنترل کند، به شیوه‌های مؤثر مشکلات خود را حل کرده، تصمیم‌گیری مناسبی داشته باشد، کلیشه‌ای فکر نکرده و اطلاعات را بدون پردازش و تفکر نقادانه نپذیرد.

۳. انواع مهارت‌های زندگی

انواع مهارت‌های زندگی از نظر سازمان جهانی بهداشت، به شرح زیر است:

۳-۱. توانایی خودآگاهی

خودآگاهی، توانایی شناخت و آگاهی از خصوصیات، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها، احساسات، ترس‌ها و انزجارهاست. رشد خودآگاهی به فرد کمک می‌کند تا دریابد تحت استرس قرار دارد یا نه و این معمولاً شرط ضروری روابط اجتماعی و روابط بین فردی مؤثر و همدلانه است؛ به‌عنوان مثال، عدم آگاهی فرد از احساسات خود، می‌تواند زمینه عدم ایجاد آرامش در خانواده و ایجاد آسیب‌های روانی و اجتماعی در فرد و اطرافیان او را به وجود آورد. مردی که به دلیل کم‌کاری و اشتباهات فراوان، در محیط کار دچار مشکل گردیده، برای جبران ناراحتی‌ها، دلخوری خود را بر سر همسر و فرزندانش خالی می‌کند. به همین دلیل، فضای خانه آنها، همیشه آشفته است و فرزندان آرامش کافی برای مطالعه و تحصیل ندارند و یا خانمی که هر بار با خانواده همسرش دچار اختلاف می‌شود، ناراحتی خویش را بر سر بچه‌های خودش خالی می‌کند؛ به آنها پرخاش کرده و کتکشان می‌زند و بعد دچار عذاب وجدان می‌شود. فرزندان این خانم نیز خشونت را از مادرشان آموخته و هر جا از کسی ناراحت باشند، با خشونت زیادی با وی برخورد می‌کنند. بنابراین، چنین مرد و زنی در شناسایی احساسات خودشان با مشکل روبه‌رو هستند و احساسات منفی خودشان را بر سر دیگران، به‌ویژه فرزندانشان خالی می‌نمایند و این فرزندان، دچار آسیب روانی و اجتماعی می‌شوند.

۳-۲. توانایی همدلی

همدلی، یعنی اینکه فرد بتواند زندگی دیگران را حتی زمانی که در آن شرایط قرار ندارد، درک کند. همدلی به فرد کمک می‌کند تا بتواند انسان‌های دیگر را حتی وقتی با آنان متفاوت است، بپذیرد و

به آنها احترام گذارد. همدلی، روابط اجتماعی را بهبود می بخشد و به ایجاد رفتارهای حکایت کننده و پذیرنده، نسبت به انسان های دیگر منجر می شود.

اگر انسان همسر خود را درک کند و مشکلات و گرفتاری های او را با تمام وجود لمس نماید، به اندازه توان خود در یاری رساندن به او تلاش خواهد کرد؛ برای مثال، اگر زنی شوهر خود را درک کند، نه تنها سعی می کند در رفع مشکلات به او کمک نماید، بلکه با تقویت روحیه او و از بین بردن ناراحتی همسر، بزرگترین پشتیبان روحی او خواهد بود.

مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می شوم، به استقبالم می آید و چون خارج می شوم، بدرقه ام می کند و زمانی که مرا اندوهگین می بیند، می گوید: اگر برای رزق و روزی غصه ای می خوری، بدان که دیگری آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت غصه می خوری، خدا اندوهت را زیاد کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب وی فرمود: «خداوند کارگزارانی دارد و چنین زنی، از کارگزاران خداست و نصف اجر شهید را دارد» (حرّ عاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۴، ص ۱۷).

۳-۳. توانایی تصمیم گیری

این توانایی به فرد کمک می کند تا به شکل مؤثرتری در مورد مسائل زندگی تصمیم گیری کند. اگر کودکان و نوجوانان بتوانند فعالانه در مورد اعمالشان تصمیم گیری نمایند، جوانب مختلف انتخاب ها را بررسی و پیامد هر انتخاب را ارزیابی کنند، مسلماً در سطوح بالاتر بهداشت روانی قرار خواهند گرفت.

اما اگر افراد بدون ارزیابی منطقی، به سرعت و به صورت آنی، بر مبنای تکانه های ناگهانی تصمیم بگیرند، معمولاً خودشان هم از آن تصمیم گیری تعجب خواهند کرد. تصمیم گیری های احساسی، اضطراری، اجتنابی و مطیعانه، مثل تصمیم گیری تکانه ای، غیر منطقی هستند.

۴-۳. توانایی حل مسئله

این توانایی فرد را قادر می سازد تا به طور مؤثرتری مسائل زندگی را حل نماید. مسائل مهم زندگی چنانچه حل نشده باقی بمانند، استرس روانی ایجاد می کنند و در عمل، به فساد اجتماعی منجر می شوند.

مهم ترین فایده یادگیری مهارت حل مسئله، این است که به فرد کمک می کند تا هنگام رویارویی با مشکلات، راه حل های متعددی را جستجو کرده، آنها را بررسی نموده و پس از تجزیه و تحلیل، بهترین راه حل را انتخاب نماید. در واقع، یادگیری مهارت حل مشکل (مسئله)،

افراد را قادر می‌سازد با مشکلات موجود و مختلف به نحوی مواجه شوند تا چیزی به اسم مشکل باقی نماند و فرد بتواند در جهت رسیدن به اهداف، موانع را به آرامی و با برنامه‌ریزی حذف کرده، سلامت زندگی را حفظ و تثبیت کند.

۵-۳. توانایی برقراری ارتباط مؤثر

این توانایی به فرد کمک می‌کند تا بتواند کلامی یا غیرکلامی و مناسب با فرهنگ جامعه، موقعیت خود را بیان نماید؛ بدین معنا که فرد بتواند نظرات، عقاید، خواسته‌ها و نیازهای خویش را ابراز کند و به هنگام نیاز بتواند از دیگران درخواست کمک و راهنمایی نماید. مهارت تقاضای کمک و راهنمایی از دیگران در موقع ضروری، از عوامل مهم یک رابطه سالم است.

اگر شما بر اثر مشکلات کاری و گرفتاری که در محل کار برایتان رخ داده، عصبانی و ناراحت به خانه برگردید و در گوشه‌ای عبوس بنشینید و فرزند یا همسرتان احساس کنند که شما از دست آنها عصبانی هستید و آنها نیز ناراحت شوند و یا احساس ترس کنند، فکر می‌کنید چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ آیا می‌توان گفت که همسر یا فرزندتان دچار سوءتفاهم شده‌اند؟ آیا شما واقعاً از دست مدیر یا همکاران ناراحت هستید یا همسر و فرزندتان؟

شما هیچ پیامی را منتقل نکردید؛ اما همسر و فرزندتان پیامی را دریافت کردند و آن، ناراحتی شما است که به خود گرفته و ناراحت شده‌اند. اگر پیامی ارسال نکرده، ولی دریافت شود، سوءتفاهم به وجود خواهد آمد. تاکنون چقدر نسبت به دیگران سوءتفاهم پیدا کرده‌اید و یا چقدر دیگران از رفتار شما دچار سوءتفاهم شده‌اند؟

۶-۳. توانایی روابط بین فردی

این توانایی به ایجاد روابط بین فردی مثبت و مؤثر فرد با دیگران کمک می‌کند. یکی از این موارد، توانایی ایجاد و ابقای روابط دوستانه است که در سلامت روانی و اجتماعی، برقراری روابط گرم خانوادگی به‌عنوان یک منبع مهم حمایت اجتماعی و قطع روابط اجتماعی ناسالم، نقش بسیار مهمی دارد.

آدم‌ها برای بیان احساسات و تأمین خواسته‌ها و نیازهای خود، به شیوه‌های مختلفی عمل می‌کنند. عده‌ای از افراد در بیان خواسته‌های خویش ناتوان هستند. برخی، نیازهای خود را به شیوه نامناسب و پرخاشگرانه و تهاجمی بیان می‌کنند و برخی به شیوه منطقی. شیوه ابراز خواسته‌ها و نیازها را سبک‌های ارتباطی می‌گویند که بر سه نوع هستند: رفتار انفعالی، رفتار پرخاشگرانه و رفتار جرئت‌مندانه.

۷-۳. توانایی مقابله با هیجان‌های شدید

این توانایی فرد را قادر می‌سازد تا هیجان‌ها را در خود و دیگران تشخیص دهد، شیوه تأثیر هیجان‌ها بر رفتار را بداند و بتواند واکنش مناسبی به هیجان‌های مختلف نشان دهد. اگر با حالات هیجانی، مثل غم و ترس یا اضطراب، درست برخورد نشود، این هیجان‌ها تأثیر منفی بر سلامت جسمی و روانی خواهد گذاشت و برای سلامت، پیامدهای منفی به دنبال دارد. اگر با هیجان‌ها منفی درست برخورد نشود، مثلاً نادیده گرفته شوند یا سرکوب و انکار شوند، تغییر شکل می‌دهند و به صورتی دیگر تخلیه می‌گردند؛ مثلاً انکار غم یا ترس، به صورت خشم برون ریخته می‌شود. ناتوانی در تنظیم و مدیریت هیجان‌ها می‌تواند به اختلالات روانی مثل افسردگی و اختلال شخصیت، منجر شود.

۸-۳. توانایی مقابله با خشم و استرس

خشم و استرس، یکی از هیجان‌ها منفی است که در مهارت قبل به آن اشاره شد؛ اما به جهت اهمیت و کارایی بالای آن در زندگی روزمره، به صورت مستقل به آن پرداخته می‌شود. این توانایی، شامل شناخت خشم‌ها و استرس‌های مختلف زندگی و تأثیر آنها بر فرد است. شناسایی منابع خشم و استرس و شیوه تأثیر آن بر انسان، فرد را قادر می‌سازد تا با اعمال و موضع‌گیری‌های خود، فشار را کاهش دهد.

عصبانی شدن، یکی از هیجان‌ها طبیعی بشر و رفتاری موجه است. آنچه عصبانی شدن را ناموجه می‌کند، خشمی است که به رفتار تبدیل می‌شود و پرخاشگری را به وجود می‌آورد؛ به ویژه اگر به صورت کلامی، مثل بدویراه گفتن و فریاد کشیدن باشد یا غیرکلامی و فیزیکی مثل کتک‌کاری و خراب‌کاری باشد که در هر دو صورت، مردود است. گاهی افراد خشم خود را به صورت غیرمستقیم ابراز می‌کنند؛ مثل: اخم کردن، قهر کردن، تعلل در انجام کار و غیبت کردن که به دلایل مختلف، هیچ‌کدام از این موارد، موجه نیست. مدیریت خشم، در واقع، به فرد کمک می‌کند تا یاد بگیرد چه طور خون‌سرد باشد و احساس منفی قبل از شروع خشم را مهار کند و تحت کنترل خود بگیرد.

۹-۳. توانایی تفکر خلاق

تفکر خلاق، توانایی داشتن نگاه متفاوت به هر چیز و یافتن راه‌های جدید برای حل مشکلات

است. این نوع تفکر، هم به حلّ مسئله و هم به تصمیم‌گیری‌های مناسب کمک می‌کند. با استفاده از این نوع تفکر، راهکارهای مختلف مسئله و پیامدهای هر یک از آنها بررسی می‌شوند. این مهارت، فرد را قادر می‌سازد تا مسائل را از ورای تجارب مستقیم خود دریابد و حتی زمانی که مشکلی وجود ندارد و تصمیم‌گیری خاصی مطرح نیست، با سازگاری و انعطاف بیشتر به زندگی روزمره پردازد.

بنابراین، تفکر خلاق، توانایی تفکر متفاوت برای دیدن مسئله یا مشاهده آن از زاویه و دیدگاه جدیدی است. این توانایی، اغلب این امکان را می‌دهد که راه‌حلّ جدیدی پیدا کنید یا حتی بفهمید که مشکل لزوماً نیازی به راه‌حل ندارد.

۳-۱۰. توانایی تفکر نقاد

تفکر نقادانه، توانایی تحلیل اطلاعات و تجارب است. آموزش این مهارت، نوجوانان را قادر می‌سازد تا در برخورد با ارزش‌ها، فشار گروه و رسانه‌های گروهی مقاومت کنند و از آسیب‌های ناشی از آن در امان بمانند (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۸، ص ۶).

تفکر انتقادی، یعنی در مواجهه با اطراف خود، به چراها توجه داشته باشیم؛ چرا این قضیه چنین است؟ چرا آن موضوع اتفاق افتاد؟ چرا باید این ادعا را باور کنیم؟ یعنی پیدایش تردیدی مقدس در ذهن؛ یعنی در پدیده‌ای شک کنیم، ولی در آن شک باقی نمی‌مانیم و با استفاده از تفکر خلاق، راه‌های بهتری را نیز جست‌وجو و استدلال کرده، قوه تجسم داشته و تصمیم‌گیری کنیم و مسائل را حل نماییم.

ج. آموزش مهارت‌های زندگی به مددجویان کانون اصلاح و تربیت

یکی از راه‌های پیشگیری از بروز مشکلات بزهکاری، ارتقای ظرفیت روان‌شناختی افراد است که از طریق آموزش مهارت‌های زندگی، جامه عمل می‌پوشد.

همه ما در طول زندگی، با فشارها و استرس‌های بزرگ و کوچکی مانند: مراحل رشدی، بلوغ، بیماری‌ها، فشار اقتصادی، از دست دادن شغل، سروصدا و شلوغی و... سروکار داریم. به همین دلیل، دردسر و گرفتاری را در تمام دوره‌های زندگی تجربه می‌کنیم. این دردسرها و گرفتاری‌ها روی احساس رضایت و شادی ما از زندگی تأثیر می‌گذارد و به تدریج سلامت روانی - اجتماعی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای رسیدن به سطح مطلوبی از بهداشت روان و حفظ آن، برنامه‌های مختلفی ارائه شده است که به‌طور کلی، این برنامه‌ها حول دو محور اصلی ارتقا و پیشگیری در حرکت است (فتی و همکاران، ۱۳۸۵).

عدم یادگیری و آموزش مهارت‌های زندگی در جامعه از طرف خانواده‌ها و مراکز آموزشی و تربیتی، باعث شده کودکان و نوجوانان در مقابله با جرم و بزهکاری نتوانند تصمیم و اقدام مناسبی انجام دهند و باعث انجام جرم می‌شود و طبق قانون، کودکان زیر ۱۸ سال جهت اصلاح و تربیت به کانون‌های اصلاح و تربیت انتقال داده می‌شوند.

در طول سپری کردن محکومیت، لازمه بازپروری این کودکان، آموزش مهارت‌های زندگی به آنان است. برخی، آموزش به زندانیان و مددجویان را کاملاً نفی می‌کنند؛ زفرونی (Zaffaroni) در یک سخنرانی خطاب به رؤسای ندامتگاه‌های آمریکای لاتین اظهار داشت: «آموزش در زندان، تأثیر مفیدی بر زندانیان ندارد» (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۷۷).

اما با اطمینان می‌توان گفت که آموزش، حداقل می‌تواند بخشی از تأثیرات زیان‌بار حبس را کاهش دهد و به مددجویان کمک کند تا عزت نفس خود را به دست آورده و زندگی خود را پس از آزادی، بازسازی نمایند. آموزش، به‌خصوص آموزش مهارت‌های زندگی به مددجویان، می‌تواند به بازپروری آنها کمک کند (همان).

در پژوهشی که به‌صورت تجربی در کانون اصلاح و تربیت بوشهر انجام شد، فرضیه اصلی در این پژوهش که به‌صورت فرضیه تحقیق (غیرصفر) مطرح شده، با توجه به نتایج به‌دست آمده، تأیید و در مقابل آن فرض صفر رد گردید. این، بدان معناست که آموزش گروهی مهارت‌های زندگی (متغیر مستقل)، بر ارتقای سلامت روان (متغیر وابسته) تأیید شد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، بین میانگین نمرات در پیش‌آزمون و پس‌آزمون، تفاوتی دیده نشد. این نتیجه، به‌گونه‌ای بر نقش آموزش مهارت‌های زندگی در ارتقای سلامت روان تأکید دارد. از آنجا که این آموزش‌ها برای گروه کنترل اعمال نگردیده بود، اعضای این گروه نتوانسته بودند همانند اعضای گروه آزمایش که در پرتوی این آموزش‌ها قرار گرفته بودند، سلامت روان خود را بهبود بخشند (رنجبر، بی‌تا، ص ۱۴).

تفاوت بین میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش با پیش‌آزمون گروه کنترل، معنادار بوده است. نتیجه تأیید می‌کند که میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش، به علت مداخلات انجام شده، نسبت به میانگین نمرات پیش‌آزمون گروه کنترل، تغییر مطلوب کرده است؛ به عبارتی، میانگین نمرات اعضای گروه آزمایش، به علت مداخلات کاهش پیدا کرده است و به سوی مطلوب میل نموده است.

در مجموع، آموزش مهارت‌های زندگی اگر به‌طور اصولی انجام شود، در پیشگیری از اختلال‌های روانی می‌تواند حایز اهمیت باشد و همچنین، می‌تواند در بهبود وضعیت روان‌شناختی افراد اثر گذارد؛ چنان‌که این آموزش‌ها می‌تواند یکی از کارآمدترین عوامل تأثیرگذار بر بهداشت روان افراد جامعه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی باشد.

د. رابطه آموزش مهارت‌های زندگی با تبلیغ

۱. تبلیغ

تبلیغ و دعوت به‌سوی ارزش‌های اسلامی و الهی، در فرهنگ قرآن و سیره پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام، یک وظیفه همگانی و همیشگی برای مسلمانان بوده و دارای اهمیت بسیاری است. قرآن مجید، بهترین گفتار را دعوت به‌سوی خدا دانسته است و می‌فرماید: «و چه کسی خوش‌گفتارتر است از آن‌کس که دعوت به‌سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمانانم»^۱ (فصلت، آیه ۳۳). همچنین، قرآن کریم برترین امت را کسانی می‌داند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگاران‌اند.»^۲ (آل عمران، آیه ۱۰۴).

امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام می‌فرماید: «پیامبر مرا به‌سوی یمن اعزام کرد و به من فرمود: ای علی! مبارزه را با کسی آغاز نکن، مگر آنکه پیش از آن، او را به اسلام دعوت نمایی. به خدا سوگند! اگر خداوند یک انسان را به دست تو هدایت کند، برای تو بهتر است از تمام آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند»^۳ (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۴۱). امام هشتم علیه‌السلام فرمود: «خدا پیام‌رزد کسی را که امر ما را زنده کند.»^۴ راوی حدیث گوید: چگونه امر شما زنده می‌شود؟ امام فرمود: «به آموختن علوم و تعلیم دادن آن به مردمان؛ چه اگر مردمان از آن تعالیم والا که در سخنان ماست، آگاه گردند، پیرو ما خواهند شد»^۵ (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۷).

به جهت بهره‌مندی از فرصت ایجادشده در طول دوران حبس برای مددجو کانون اصلاح و

۱. وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

۲. وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

۳. بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَى الْيَمَنِ وَ قَالَ لِي يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ وَ أَيُّمُ اللَّهُ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَيَّ بِدَبِكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَكَ وَ لَأُوَّةُ يَا عَلِيُّ.

۴. رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا.

۵. يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا

تربیت، حضور مبلغ دینی با توجه به اهداف تبلیغ دینی، می‌تواند بهره‌وری از این فرصت را افزایش داده و در جهت آشنایی مددجو با معارف دینی و اخلاقی و تربیتی توسط مبلغ، به‌خصوص آموزش مهارت‌های زندگی که اهمیت آن بیان گردید، زمینه لازم جهت اصلاح و تربیت و بازپروری مددجویان فراهم شود.

هدف اصلی در قانون‌گذاری کیفری در اسلام و مجازات‌تعمیری، اصلاح، تأدیب و آماده کردن بزهکار برای یک زندگی سالم و شرافتمندانه در جامعه است. اصلاح و تربیت مجرمان در نظام کیفری اسلام، یکی از اهداف مهم به حساب می‌آید (ویکی پاسخ). بخشی از اهداف تربیتی با ایجاد بستر شناختی و معرفتی حاصل می‌شود. یکی از این آگاهی‌ها، آموزش مهارت‌های زندگی به مددجویان کانون اصلاح و تربیت است که مبلغان می‌توانند در قالب مسائل و موضوعات فردی و اجتماعی و به‌صورت عملی، مددجویان را با این مهارت‌ها آشنا سازند. آشنایی با تبعات منفی رفتار در زندگی فردی و اجتماعی، کسب دانش لازم در باره راه‌های مختلف سالم زندگی کردن، در پرتو آموزه‌های دینی و معارف اسلامی امکان‌پذیر است و مددجو با آگاهی یافتن نسبت به این موضوعات، سطح معلوماتش در مسائل مورد نیاز افزایش یافته و می‌تواند بر اساس این آگاهی‌های جدید، تصمیمات تازه‌ای در زندگی بگیرد و بر پایه این اطلاعات، برنامه‌ریزی بهتری داشته باشد.

اهداف تربیتی و اصلاحی نسبت به مددجو، در حقیقت، ایجادکننده نگرش‌های سازنده نسبت به خود و جامعه پیرامون است؛ نگرش‌هایی که موجب توانمندسازی تشخیصی نسبت به وضعیت خود و خودآگاهی از آنچه خداوند برای او مقرر کرده، می‌شود و توان بازیابی خود را در مواجهه با مشکلات و گرفتاری‌ها و وضعیت‌های نامطلوبی که برای او پیش می‌آید، در پی دارد. این‌همه، جز با حضور مبلغ روحانی که آموزه‌های دینی را به‌خوبی فراگرفته و مهارت و توانایی انتقال این معارف را در محیط زندان برای مددجویان دارد، به انجام نمی‌رسد.

۲. مهارت‌های زندگی و تبلیغ

یکی از نیازهای جامعه، آموزش مهارت‌های زندگی در بین تمام افراد جامعه برای جلوگیری از بزهکاری و به‌خصوص آموزش مهارت‌ها به مددجویان کانون اصلاح و تربیت است. زمانی که مددجویان به آموزش مهارت‌های زندگی و سلامت روانی مناسبی رسیدند، دیگر دست به بزهکاری نمی‌زند و این سلامت روان، در جامعه تأثیر مستقیم دارد و ضمن ارتباط تنگاتنگی که

سلامت و دین باهم دارند، آموزش این مهارت‌ها از طریق مبلغان، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

به‌طورکلی، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه در ارتقای سلامت روان نوجوانان بزهکار موردتوجه باشد و این نوع آموزش‌ها زمینه را برای رشد و تعالی خانواده و فراگیر شدن بهداشت روان در جامعه با بازپروری مددجویان کانون اصلاح و تربیت فراهم می‌نماید (شاپس و بانیستیک، ۱۹۹۱؛ منال غرابی و همکاران، ۲۰۰۸؛ خوشایی و همکاران، ۱۳۸۶؛ حاجی امینی و همکاران، ۱۳۸۷).

انسان سالم، انسانی است که از لحاظ جسم و روان سالم بوده و در یک محیط اجتماعی سالم زندگی نماید. بی‌شک، وجود خلل در این مورد، فرایند توسعه را کند خواهد کرد (Health Development, 2016). سلامت، حق و نیاز تمام انسان‌هاست و در حال حاضر، توسعه‌یافتگی هر اجتماع را از روی کیفیت سلامت اجتماع می‌توان قضاوت کرد. در هر سیستم اجتماعی، سیاسی و نیز در هر موقعیت جغرافیایی، تفاوت‌هایی در وضعیت سلامت گروه‌های مختلف اجتماعی به چشم می‌خورد؛ حتی در نواحی مختلف جغرافیایی داخلی یک کشور نیز این قبیل تفاوت‌ها، کاملاً مشهود است.

سلامت و دین، ارتباط تنگاتنگی باهم داشته و اصولی به‌هم‌تنیده هستند و دارای اشتراکات بسیاری می‌باشند و اجرا و آموزش مهارت‌های زندگی توسط مبلغان دینی می‌تواند تأثیرگذاری بهتری در سلامت فردی و اجتماعی فرد مددجو گذاشته، بنا بر آموزش مهارت‌های زندگی توسط مبلغان، بسیار پُراهمیت بوده، یادگیری این مهارت‌ها و شیوه آموزش مهارت‌های زندگی به مددجویان، از اهمیت وافری برخوردار است. یک مبلغان خوب باید با این مهارت‌ها آشنا باشد تا بتواند در مواجهه با مددجویان، این تکنیک‌ها و مهارت‌ها را به آنان آموزش دهد.

نتیجه

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های زندگی، بر بهبود سلامت روان همه نوجوانان، به‌ویژه مددجویان کانون اصلاح و تربیت لازم است؛ درحالی‌که آموزش این مهارت‌ها در جامعه مورد غفلت واقع شده است؛ با توجه به اینکه این عدم آموزش در سطح دانشجویان جامعه مورد ارزیابی قرار گرفته و عدم آگاهی آنها را در کسب مهارت‌های زندگی نشان می‌دهد،

به طریق برتر، در سطح پایین تر از نظر علمی، سنی و رشدی، این آموزش‌ها بسیار لازم خواهند بود و از طرفی، برای ارتقاء سطح کیفیت زندگی سالم در یک جامعه، نیازمندی به این سلامت روانی، به خوبی روشن است.

همچنین، سلامت و دین، ارتباط تنگاتنگی با هم داشته و اصولی به هم تنیده هستند و دارای اشتراکات بسیاری می‌باشند. سلامت، ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را یکپارچه می‌سازد. این ملاحظات، در عین حال، با اصول و روندهای مشترک، از جمله تعهد به برابری و عدالت اجتماعی، پایبندی، اقدام بین گروهی و نیز مشارکت عمومی با یکدیگر، پیوند می‌خورد.

با توجه به معنادار بودن رابطه آموزش مهارت‌های زندگی به نوجوانان با میزان بزهکاری نوجوانان، طبق پژوهش‌های بیان شده در این مقاله، و همین‌طور ارتباط سلامت و دین، لزوم آموزش مهارت‌های زندگی برای کاهش بزهکاری در جامعه و کلّ جهان ضروری است و آموزش این نوع مهارت‌ها توسط مبلغان که با اصول رفتاری و اخلاقی دین آشنا هستند و می‌توانند تأثیر بیشتری در سلامت روان مددجویان بگذارند، از اهمیت افزون‌تری برخوردار است. بنابراین، در مرحله اول، آشنا کردن مبلغان با مهارت‌های زندگی، و در مرحله دوم، شیوه آموزش مهارت‌های زندگی و نحوه آموزش عملی آنها، می‌تواند در بازپروری مددجویان تأثیر بسیار بالایی داشته باشد و جامعه را به سوی سلامت دینی پیش ببرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اشرف، احمد، ۱۳۹۳، کژ رفتاری؛ مسائل انسانی و آسیب اجتماعی، تهران، انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
۳. حاجی امینی و همکاران، پاییز ۱۳۸۷، «بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر واکنش‌های هیجانی نوجوانان»، مجله علمی علوم رفتاری، دوره ۲، ش ۳: ۲۶۹-۲۶۳.
۴. حرّ عاملی، ۱۱۰۴ق، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. حسینی، سید محمدرضا، ۱۳۹۲، مجموعه مقالات زندان در نگاه تاریخ، فقه و حقوق، قم، انتشارات اتقان.
۶. خنیفر، حسین و پورحسینی، مژده، ۱۳۸۶، مهارت‌های زندگی، چاپ دوم، مرکز نشر حاجت.
۷. خوشابی، کتایون و همکاران، پاییز ۱۳۷۸، «بررسی میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه شهر تهران از مهارت‌های زندگی»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان، دوره پانزدهم، ش ۳، شماره مسلسل ۴۹.
۸. رنجبر، خیرالنساء، بی تا، «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر ارتقای سلامت روان نوجوانان بزهکار مستقر در کانون اصلاح و تربیت استان بوشهر»، دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر.
۹. سلطانی‌پور، فرزانه و دماری، بهزاد، زمستان ۱۳۹۵، «وضعیت توسعه پایدار در ایران»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۱۴، شماره چهارم: ۱-۱۴.
۱۰. شعاری‌نژاد، علی اکبر، ۱۳۹۴، فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
۱۱. فتی، ل؛ موتابی، ف؛ محمدخانی، ش؛ بوالهیری، ج؛ کاظم‌زاده، ن و عطوفی، م، ۱۳۸۵، آموزش مهارت‌های زندگی ویژه دانشجویان، کتاب راهنمای مدرس، چاپ اول، تهران، انتشارات دانژه.
۱۲. فتحعلی لواسانی، فهیمه، ۱۳۹۴، راهنمای آموزش مهارت‌هایی برای زندگی، کتاب پنجم، چاپ سوم، تهران، انتشارات هنر آبی.

۱۳. محمدی اصل، عباس، ۱۳۸۵، بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، چاپ اول، تهران، علم.
۱۴. معظمی، شهلا، ۱۳۸۸، بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۱۵. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، بی جا، نشر زرین.
۱۶. میرزاخانی، عبدالرحمن؛ درویشی، صیاد، وحسنی ساطحی، حسین، بهار ۱۳۹۷، «بررسی نقش آموزش مهارت‌های اولیه زندگی بر پیشگیری از بزهکاری»، فصلنامه رهیافت پیشگیری، دوره اول، شماره اول.
۱۷. نجفی توانا، علی، ۱۳۸۲، ناهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ اول، تهران، انتشارات راه تربیت وابسته به مرکز آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها.
۱۸. وبگاه خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۵۵۱۹۲، مقاله «اهمیت تبلیغ در اسلام و شیوه‌های اثربخش آن (۱)»، نشانی: hawzahnews.com/news/355192
۱۹. وبگاه ویکی‌پاسخ، مقاله «اصلاح و تربیت مجرم از دیدگاه اسلام»، نشانی: fa.wikipasokh.com
۲۱. ولی‌زاده و علی‌زاده، ۱۳۸۱، «آموزش مهارت‌های زندگی»، نشریه اطلاعات عمومی، ش ۵.
22. Health Development. 2016. Health promotion and microbiology rola in sustainable development. [Online] Available from [http://vista.ir/article\[cited23July2005\]](http://vista.ir/article[cited23July2005]). [In persian].
23. Lawrence, o. 2015. The Sustainable Development Goals: One-Health in the World, s Development Agenda. [Online]. Available from. [http://scholarship.law.georgetown.edu/facpub\[cited18July2008\]](http://scholarship.law.georgetown.edu/facpub[cited18July2008])
24. Monal ghorabaei, MD; etal, (2008): Evolution of the Effectiveness of life skills training for Iranian working women. Iranian Journal of psychiatry and behavioral sciences (IJPBS), Volume2, Number2, Autumn and winter
25. Schaps E. and V. Battistich. (1991) Promotion health development through school-based